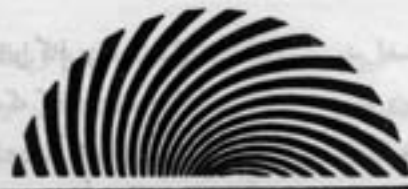
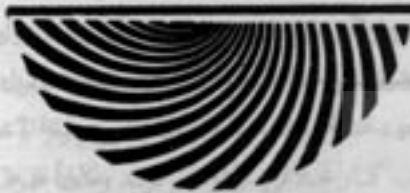


**\* عنایت قرآن به معاد**  
**\* جنبه گیربهای منکرین**  
**\* قرآن در برابر جنبه گیربها**

قسمت ششم



# معاد



آیت الله حسین نوری

در مباحث گذشته در طری چند مقاله، دلائل و براهینی را که بر اساس عقل و نقل پی ریزی شده و مقتضی اثبات «معاد» بود ذکر کردیم اینک قبل از تشریح خصوصیات و کیفیت معاد، لازم و مناسب است توجه خوانندگان محترم را به اهتمام و عنایت خاصی که قرآن مجید به موضوع «معاد» دارد نیز جلب نمائیم.

باید دانست که در این کتاب مقدس آسمانی هیچ موضوعی پس از «توحید و خداشناسی» به اندازه معاد مورد توجه قرار نگرفته است بطوریکه در میان کل آیات قرآنی که تعداد آن به ۶۲۳۶ آیه (۱) بالغ می گردد در حدود «۱۴۰۰» آیه مربوط به «معاد» است و اساساً تعدادی از سوره های قرآن مانند سوره واقعه و غاشیه و قارعه و زلزال و قیامت از آغاز تا به آخر اختصاص به معاد دارد و فقط درباره آن سخن می گوید.

و در سوره های دیگر نیز علاوه بر تأکیدهای فراوانی که برای اثبات «معاد» صورت گرفته است سوگندهای بسیاری نیز برای تثبیت آن بعمل آمده و این موضوع مورد توجه فراوان قرار گرفته و از هر فرصتی برای تذکر و اثبات «معاد» بهره برداری بعمل آمده است.

و بالأخره موضوع «معاد» در قرآن گاهی با اقامه دلیل و برهان و زمانسی با ضرب المثل های زنده و مؤثر و گاهی با ذکر

بسیاری از مردم موضوع معاد را انکار می کردند و در انکار خود پافشاری و اصرار بخرج میدادند و یا بدیده استهزاء و استبعاد بآن نگاه می کردند که قرآن مجید انکار و استبعادهای آنها را با این عبارات بیان نموده است:

«قالوا انذا ميتا وَكُنَّا تُرَاباً وَعِظَاماً اَلَا لَتَبْهُؤُونُ لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ اِنْ هَذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ»<sup>۱</sup>

گفتند چون ما مردیم و پوسیده شدیم و بصورت خاک و استخوان درآمدیم مجدداً زنده و برانگیخته میشویم!؟ از این وعده ها به ما و پیش از این به پدران ما نیز داده شده ولی این افسانه های پیشینیان است.

یا می گفتند: «انذا ضَلَلْنَا فِي الْاَرْضِ اَلَا لَعْنَى خَلْقِ جَدِيدٍ»<sup>۲</sup>

آیا ما پس از اینکه در اعماق زمین فرو رفتیم و نابود شدیم باز مجدداً خلقت خواهیم یافت.

یا می گفتند: «انذا ميتا وَكُنَّا تُرَاباً ذَلِكُمْ رَجْعٌ

داستانهایی مورد تذکر و توجه واقع شده است و نیز در آیات و سوره های متعددی از یک رستاخیز جهانی و تحول و انقلاب عالمگیر و با عظمتی که در طی آن شماره های فروزان خاموش و طومار وجود خورشید درخشان درهم پیچیده و کوههای بزرگ از جا کنده شده و در فضا پراکنده میشوند و دریاها مشتعل می گردند و زمین لوزه مهیبی پدید می آید سخن می گوید و این رستاخیز و تحول عالمگیر را مقدمه قیام قیامت معرفی می کند که ما بتوفیق خداوند درآینده به توضیح این جریانها خواهیم پرداخت.

## جنبه گیربهای منکران

اکنون باید باین مطلب توجه داشت یکی از جهاتی که موجب گردیده است که قرآن کریم این عنایت و اهتمام را در تثبیت «معاد» بکار برد این است که در آن عصر

آیا ما بعد از اینکه مردیم و خاک شدیم دوباره به زندگی بازگشت می‌کنیم؟ این بازگشت دور از فکر و عقل ما است.

قرآن در پاسخ می‌گفت: «فَدَّ عَلِمْنَا مَا تَنْهَى الْأَرْضُ عَنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ»<sup>۱۰</sup>

یعنی «جای تعجب و استبعاد نیست ما آنچه زمین از آنها بکاهد کاملاً آگاهیم و در نزد ما کتابی که همه حقایق و اشیاء را در خود حفظ و بایگانی می‌کند وجود دارد».

یا می‌گفتند: «أَيْنَا لَمَرْوُودُونَ فِي الْأَخِرَةِ أَيُّدًا كُنَّا عِظَامًا نَجْرَةً»<sup>۱۱</sup>.

آیا ما پس از مرگ باز زندگی دیگری خواهیم یافت؟ چگونه پس از اینکه مردیم و استخوانهای ما پوسیده شد زنده خواهیم شد؟»

و بالأخره گاهی انکار و استبعاد آنان چنان اوج می‌گرفت و شدت می‌یافت که به ساحت مقدس حضرت رسول اکرم «ص» نسبت افتراء یا جنون میدادند که قرآن آنرا چنین بازگو می‌کند:

«وَقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَخْرَجٍ يُخْرِجُ بِسُكُوتِكُمْ إِذَا قُرِئْتُمْ كَلِمًا يُعَذِّبُ بِهَا أَنفُسَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَمَّا كَانُوا فِي أَعْيُنِنَا قَالُوا هِيَ كَلِمَاتُ الْمُرْتَدِينَ وَإِنَّا لَنَرَاهُمْ فِي صَعْتِكُمْ حَسْرَتًا مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۱۲</sup>

یعنی: «کافران با مردم می‌گفتند آیا شما را به مردی راهنمایی کنیم که می‌گوید شما پس از آنکه مردید و ذرات بدنشان متفرق و پراکنده گردید از نو باز زنده خواهید شد! آیا این مرد نسبت به خدا دروغ می‌بندد یا دیوانه شده است؟»

تا اینکه در این مورد استبعاد شخصی که مفسران قرآن نوعاً نام‌وی را «ابی بن خلف» ذکر کرده و گفته‌اند که روزی درحالی که استخوان کهنه‌ای بدست گرفته به حضور حضرت پیغمبر «ص» آمد و آنرا ریزریز کرد و همان منطبق زنگ زده منکرین «معاد» را تکرار

کرد و گفت: «أَيُّدًا كُنَّا عِظَامًا وَرَفَانًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا» هنگامی که ما مردیم و استخوان و متلاشی گردیدیم آیا مجدداً مبعوث خواهیم شد؟<sup>۱۳</sup> را به این صورت بازگو می‌کند:

«وَضَرَبْنَا لَنَا قَدْلًا وَتَسَىٰ خَلْقَهُ فَإِنَّ مَنِ بَغِيَ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ فَلَنْ يُبْحِثَهَا أَلَدَىٰ أَنشَاهَا أَوْ لَمْ يَمُرْهُ وَهُوَ يَكْفُلُ خَلْقَهُ عَلِيمٌ»<sup>۱۴</sup>.

«برای ما مثلی جاهلان زد و گفت این استخوانهای پوسیده را که زنده می‌کند؟ ای رسول ما بگو همان خدائی که نخستین بار بآن حیات بخشیده است آنرا مجدداً نیز زنده می‌کند و او بهر نوع خلقت دانا است».

### قرآن در برابر جبهه گریها

قرآن کریم در برابر این جبهه گریها که از شک و تردید و انکار و استبعاد و احیاناً لجاجت و عناد آنها سرچشمه می‌گرفت در ضمن آیاتی، مانند هر مورد دیگر راه منطقی و برهان را پیش گرفت منطقی و برهانی که بر اساس علم و قدرت خداوند استوار گردیده است.

و بطور کلی آیاتی که در برابر این جبهه گریها وجود دارد، چند دسته است: الف- آیاتی که از راه توجیه دادن، به خلقت خود آنها را برای اثبات معاد استدلال می‌کند.

مفاد این دسته از آیات این است آن خداوند دانا و توانائی که شما را با این اعضاء و اندام کامل و با این تجهیزات روحی و جسمی از خاک و نطفه پدید آورده است مجدداً میتواند در پرتو علم بی‌نهایت خود که به کلیه ذرات بدن شما در هرجا که متفرق شده باشد آگاهی دارد و در سایه قدرت کامل خود، آنها را جمع‌آوری کرده

بصورت و خلقت اولیه‌ای که در دنیا داشتید در بیاورد و برای حضور در صحنه قیامت آماده و مهیا سازد.

بنابراین، انکار و استبعاد شما کاملاً بی‌مورد و حاکی از عدم توجه به علم و قدرت خداوند و یا نشانگر ضعف ایمان شما است. ما در اینجا برای نمونه تعدادی از این دسته از آیات را ذکر می‌کنیم: و آیاتی را که از راههای دیگر استدلال می‌کند برای مقاله‌های بعد که با توفیق الهی انجام خواهد شد می‌گذاریم.

۱- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَيْتِ فَبِأَنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّفَةٍ وَتَغْيِرُ مَخْلَقَةَ يَلْبَسِنَ لَكُمْ وَتُخْرِجُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ مَائِنَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يَتُوبُ وَمِنْكُمْ مَّن يَزُدْ إِلَىٰ أَرذَلٍ الْعُمُرُ لِكَيْلَا يُغْلَمَ مِمَّن بَدَّ عَيْنًا»<sup>۱۵</sup>

یعنی: ای مردم اگر شما درباره «معاد» و برانگیخته شدن در روز قیامت شک و تردید دارید به این دلیل توجیه کنید که: ما شما را از خاک و سپس از نطفه و از آن پس از علقه (خون‌بسته) و بعد از آن از پاره گوشت، که اعضاء و اندام در آن ترسیم گردیده است بعد از آنکه ترسیم نشده بود. تا قدرت خود را بر شما آشکار سازیم آفریده ایم و این نطفه را با این وضعی که ذکر گردید در رحم تا وقت معین قرار میدهیم از آن پس بصورت طفلی پا بعرضه گیتی میگذارد و زیست میکند تا بعد بلوغ و کمال میرسد و برخی از شما در این بین می‌میرند و برخی به سن ضعف و ناتوانی میرسند تا آنجا که فهم و درک خود را در نتیجه زیادی سن و سال از دست میدهند.

چنانکه ذکر گردید خداوند در این آیه دوران آفرینش و تحولی که برای انسان رخ میدهد را در هفت مرحله خلاصه می‌کند:

۱- خاک بودن.

شکلی نیست که همه انسانها در

نخستین گام خلقت خاک میباشد زیرا نطفه از غذا است و غذای انسان هم چه گیاهی و چه گوشتی بالاخره از خاک بعمل میآید.

۲- نطفه.

۳- علقه (خون بسته).

۴- مضغه (یکپارچه گوشت).

۵- کودکی.

۶- دوران رسیدن به کمال جسمی و روحی.

۷- دوران ضعف و ناتوانی.

نتیجه اینکه آن خداوندی که شما را در این مراحل سیر میدهد قدرت دارد که پس از مرگ و پوسیدن اجسام و خاک شدن مجدداً کالبد شما را بسازد و زندگی شما را دوباره به شما بازگرداند.

۲- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ يَوْمَ يُخْلِقُ خَلْقًا مِّنْ مَّاءٍ دَافِقَةٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالثَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

یعنی: «انسان بنگرد که از چه چیز خلقت شده است از آب جهنده‌ای که از میان استخوانهای کمر و سینه سرچشمه گرفته است پدید آمده است و آن خداوندی که او را در طی این مراحل بوجود آورده است مسلماً میتواند که پس از

مرگ، زندگی وی را مجدداً باو برگرداند».

۳- أَتَجْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُنزَّلَهُ سُدُورًا أَنَّهُ يَكْفُرُ لُقْفَةً مِنْ مَّنِيِّ امْرَأَةٍ لَمَّا كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ إِنَّ يَوْمَئِذٍ لِّمَن يَفْقَهُ عَلَىٰ أَنْ يُخَيَّرَ الْمَوْتَىٰ

یعنی: آیا انسان چنین می‌پندارد که او به حال خود و مهمل گذاشته شده و مسؤولیتی ندارد و در خلقت او هدفی و حکمتی در نظر گرفته نشده است و در نتیجه، در رابطه با اعمالش ثواب و عقاب و پاداش و کیفری وجود نخواهد داشت؟ هرگز چنین نیست آیا آغاز وجود او نطفه نبود که از آن پس بصورت علقه درآمد و سپس دوران تکامل خود را پیمود و خداوند او را بصورت مخلوقی آراسته و مجتهد درآورد و از آن بر اساس حکمت و حساب معین نر و ماده پدید آورد آیا پروردگاری با چنین قدرت، توانائی آنرا ندارد که او را پس از مرگ زنده کند؟

۴- لَسْتَ تَكْفُرُ أَنْ تَمُوتَ مِمَّا قُلْتَ إِنَّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

یعنی کافران می‌گویند: ما را پس از مرگ که زنده می‌کند؟ بگو همان خدائی که نخستین بار شما را آفرید. چنانکه ملاحظه می‌کنید در این آیات در برابر انکار منکرین و استبعاد کسانی که

معاد را مورد انکار و استبعاد خود قرار می‌دادند در پاسخ، با تکیه به علم و قدرت خداوند گفته شده است: «آن پروردگاری که شما را در آغاز آفرید قدرت و توانائی آنرا دارد که شما را مجدداً زنده کند شما اگر در اصل خلقت خود فکر و مطالعه کنید هضم و قبول موضوع معاد بر شما آسان خواهد شد پس فکر کنید.

۱- تاریخ قرآن ص ۱۶۸.

۲- آیه ۸۲ و ۸۳ سوره المؤمنون و نظیر این تعبیر در سوره صافات آیه ۱۶ و در سوره واقعه آیه ۴۷ نیز واقع شده است.

۳- آیه ۱۰ سوره السجده.

۴- آیه ۳ سوره ق.

۵- آیه ۴ سوره ق.

۶- آیه ۱۱ و ۱۰ سوره التازعات.

۷- آیه ۸۷ سوره ساء.

۸- المیزان جلد ۱۷ ص ۱۲۲ و مجمع البیان ج ۸ ص ۴۳۱.

۹- آیه ۷۸ و ۷۹ سوره یس.

۱۰- آیه ۵ سوره حج.

۱۱- آیه ۴ سوره طارق.

۱۲- آیه ۳۵-۳۹ سوره فیاض.

۱۳- آیه ۵۱ سوره الاسراء.

آنگاه عدلی، عقلی را وصف کرد که دلی سنگ معاویه تحت تأثیر قرار گرفت بطوری که با آستین اشکهای صورتش را پاک می‌کرد، آنگاه گفت: «دنیا عقیم است که مانند علی بزاید».

ومناقب شهد العدم وفضلها والفضل ما شهدت به الأعداء

۱- اصلاً یک نفر خارجی نمی‌تواند در اینگونه موارد اشتباه نکند. کسی که دارای فرهنگ بخصوصی است، قطعاً وقتی وارد یک فرهنگ اجنبی می‌شود، ممکن است اشتباه کند.

۲- مقصودش «سر جان ملکم» است که کتاب «تاریخ ایران» را نوشته است.

۳- زردشتیان ادعا می‌کنند که این کتاب مال زردشت است ولی هیچ آثار قطعی از زردشت در دست نیست.

۴- نهج البلاغه - حکمت ۱۴۷

۵- عدی بن حاتم سه پسر داشت که هر سه در سنین جوانی در رکاب علی علیه السلام، در جنگ صفین به شهادت رسیدند.

بقیه از علی شخصیتی «ع»...

ستمکاران، نیرومند.

با اینکه در میان ما می‌نشست و هیچ تکبری نداشت و بدون امتیاز می‌نشست، اما خداوند یک هیبتی از او در دل مردم قرار داده بود که بدون اجازه نمی‌توانستیم حرف بزنیم...

بعد گفت: معاویه! می‌خواهم منظره‌ای را که به چشم خود دیده‌ام برایت تعریف کنم. در یکی از شبها خودم علی را در محراب عبادت دیدم. دیدم مستغرق خدای خودش است و محاسن شریفش را بدست مبارک گرفته می‌گوید: آه! آه از این دنیا و آتشیهای آن. یا دنیا غری غیری! ای دنیا دیگری را غیر از من فریب ده.